

# اندکی تفکر/ بشاگرد محروم نیست، مظلوم است

به گزارش [شبکه اطلاع رسانی هرمز](#)؛ صابر حسن زاده نوشت: بشاگرد به دلیل وجود 200 روستای بزرگ و کوچک یکی از وسیع ترین شهرستان های هرمزگان و از سویی در سال های اخیر به دلیل کم توجهی مسئولان در زمره مناطق کمتر توسعه یافته قرار گرفته است در حالی که اظهار نظرهای اکثر کارشناسان و دولتمردان بدون بررسی تاریخی این شهرستان بی عدالتی محض است.

شاید تا به حال سوالتی از این دسته به ذهنتان خطور کرده باشد که چرا عده ای دوست دارند بشاگرد را مکشوف خود بدانند و آغاز تمدن در بشاگرد را به خود منتسب کنند؟ به راستی چرا عده ای بشاگرد را از همه لحاظ محروم می دانند و با حقارت به آن می نگرند؟ و نقش ما بشاگردیان در کمک به دیگران در تمسخر و استهزاء بشاگرد و بشاگردیان تا چه اندازه بوده است؟ برخی از افراد با اغراق و مبالغه در بیان فقر، فلاکت و محرومیت بشاگرد چه اهدافی را دنبال می کنند؟ سیاه نمایی اوضاع بشاگرد به نفع کیست؟

برای سوالات مذکور می توان پاسخ های مختلفی را ارائه نمود که در ذیل به بیان برخی از آنها اکتفا نموده و سپس تگاهی هر چند کوتاه به تاریخچه بشاگرد خواهیم افکند:

شاید حقیر جلوه دادن مردم بشاگرد یکی از آیتم هایی است که می تواند درجات خدمت گذاری مسئولین را بیشتر نشان دهد؛ اما نه، شاید سیاه نمایی اوضاع با برانگیختن احساسات مسئولان کشوری به خودی خود می تواند در جذب بودجه های بیشتر برای دستگاه های دولتی کمک های شایان توجهی کند همچنین می توان گفت شاید عده ای که شیفته شهرت هستند و برای عرض اندام، اقدام به اظهار نظرهای غیرمسئولانه و از روی عدم آگاهی می کنند در حالی که اکثر اوقات با واقعیت های متن جامعه فرسنگ ها فاصله دارند و به قصد تخریب بشاگرد انجام شده بود و هزاران شاید دیگر...

اما نه ؛ چرا دیگران را متهم کنیم، اگر یک مسئول از روی بی اطلاعی و یا کمی اطلاعات درباره بشاگرد اظهار نظر کرد تا حدودی

می توان به او حق داد چرا که شاید از پیشینه بشاگرد و از جغرافیای انسانی بشاگرد اطلاعی نداشته و یا تعریف جغرافیای انسانی و حیطه مباحث آن را نمی داند.

با اندکی تفکر شاید بتوان اینگونه برداشت کرد که مغرضانه بودن این گونه اظهار نظرها بعید است چرا که هدف این گروه از جامعه نمی تواند تخریب هویت بشاگرد باشد بلکه بیشتر به طی کردن پله هایی ترقی و پیشرفت خود می اندیشند، به مثل افرادی هستند که در استخری غوطه ورنند و با گذاشتن دست بر شانه های بشاگرد خود را به اوج می رسانند در حالی که این شهرستان را به قعر می برند.

تحقیر بشاگرد گرچه سودی برای بشاگرد ندارد و نمی تواند حقایق تاریخی بشاگرد را کتمان کند اما برای مسئولان بحمدالله تا کنون بدون بهره نبوده است، بنده عقیده دارم >> فرار حق زندانی است ، زندانیان نباید بگذارند<< رشد و ترقی حق مسئولان است اما ما بشاگردیان نباید اجازه دهیم تحقیر بشاگرد نردبان ترقی آنها باشد.

اگر غریبه ها بشاگرد را تخریب می کنند حق دارند زیرا آنها صرفا بر اساس شنیده های خود اظهار نظر می کنند اما ما بشاگردیان باید بپذیریم در معرفی بشاگرد بسیار کوتاهی کرده ایم و به معرفی بشاگرد توسط دیگران بسنده کرده ایم که متاسفانه در اکثر موارد این اظهار نظرها از روی عدم آگاهی ، تک بعدی و با تعمیم غلط گوشه ای از مشکلات به تمام بشاگرد همراه بوده و تنها به سفارش افرادی خاص و با اهدافی خاص و یا انگیزه هایی مشخص نسبت به بشاگرد اقدام نموده اند که پس مدتی به یکی از مراجعی تبدیل شده اند که زمینه قضاوت و اظهارنظر درباره بشاگرد را فراهم کرده اند بنابراین اگر مسئولی از روی بی اطلاعی و یا مطالعه اظهار نظرهایی سفارشی بعضی از نویسندگان و فیلم سازان در مورد بشاگرد این چنین اظهار نظر هایی کند، حق دارد .

## **استقرار پزشک و احداث بیمارستان در بشاگرد در قبل از انقلاب**

بشاگرد با بیش از 200 روستای بزرگ و کوچک مگر می تواند بدون مشکل باشد ولی آیا واقعا برخی از این مشکلات مربوط به عده ای خاص بوده و یا قابل تعمیم به عموم است لذا تعمیم مشکلات عده ای خاص به

عموم، ظلم به آنهاست. اگر دیوانه، نابینا و یا بی سوادى در بشاگرد مشاهده کردیم آیا اجازه داریم همه بشاگردیان را دیوانه، نابینا و بی سواد خطاب کنیم؟

متأسفانه این گونه اظهار نظرهای نسنجیده در بین مسئولان باب شده است به نحوی که مجری برنامه تلویزیونی شو بندر با ذوق تمام از بیمارستان بشاگرد سخن می گوید که انگار... در حالی که در حد یک درمانگاه هم مجهز نیست البته شاید بتوان حق را به وی داد چرا که با ذهنیت خود گمان می کند حق مردم بشاگرد کمتر از این است.

بنده برای دفاع از بشاگرد و در رد اظهار نظرها و قضاوت هایی که با بی عدالتی صورت گرفته است به ذکر چند مورد از امکانات موجود در تاریخچه بشاگرد اکتفا می کنم:

استقرار پزشک در روستای گوهران، احداث درمانگاه به شکل خیمه در روستای اهون آن هم به دستور یکی از پزشکان خارجی در دوران قبل از انقلاب سبب شده بود تا ساکنان سایر برای معالجه بیماری های خود به آنجا مراجعه نمایند حتی برخی از پزشکان به صورت دوره ای برای ویزیت و درمان بیماران به تعدادی از روستاها تردد می کردند در حالی در برخی از شهرهای امروزی چون جاسک درمانگاه و پزشکی وجود نداشته است.

اگر مسئولی بشاگرد را سرزمینی با جغرافیای طبیعی، فاقد جغرافیای انسانی قبل از انقلاب می داند نشان دهنده مظلومیت بشاگرد است، باید گفت برادر بزرگوار نمی توانستید در مورد بشاگرد اظهار نظر نکنید و هویت بشاگرد را زیر سؤال نبرید؟ ظاهراً یا اطلاعات شما در خصوص جغرافیا بسیار ضعیف است و یا دستیارانتان که این متن ها را جهت قرائت شما آماده می کنند مطالعه چندانی ندارد.

بشاگرد را سرزمینی که از شرق به شهرستان میناب و از غرب به سیستان و بلوچستان متصل می باشد، معرفی کردید که بسیار مضحک است، فکر می کنم دستیارانتان اطلاعات چندانی از جغرافیای انسانی نیز ندارند و این واژه را بدون درک مفهوم آن به کار می برند لذا لازم می دانم نکته ای را در این خصوص عرض کنم شاید مفید واقع شود.

جغرافیای انسانی شامل جغرافیای جمعیت، جغرافیای تاریخی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی (نژاد و زبان)، جغرافیای شهری و برنامه ریزی شهری، جغرافیای روستایی و برنامه ریزی روستایی، جغرافیای کوچ نشینی، جغرافیای پزشکی و امراض، جغرافیای نظامی و

جغرافیای ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی می‌باشد حتی می‌تواند شامل جغرافیای توسعه، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای بهداشت و درمان، جغرافیای تاریخ و زمان، جغرافیای سیاست یا جغرافیای سیاسی، جغرافیای مردمی و جمعیت‌شناسی، جغرافیای مذهبی، جغرافیای اجتماعی، جغرافیای مدنی باشد، حال شما کدام یک از عرصه‌های جغرافیای انسانی قبل از انقلاب در بشاگرد را می‌توانید انکار کنید.

## آثار باستانی بشاگرد با قدمت 5000 سال

تاریخ بشاگرد نیز که قابل انکار نیست چرا که بر اثر یک تجمع بعد از انقلاب که بوجود نیامده و مبارزات بشاگرد با حاکمان نیز غیر قابل انکار است بسیاری از مبارزان سیاسی که از دست رژیم‌های فاسد به بشاگرد پناهنده شده بودند به علت موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن منطقه و اعتقادات عمیق مذهبی مردم مورد پذیرش قرار گرفته و حتی تا آخر عمر در بشاگرد مانده‌اند با مراجعه به اسناد تاریخی و سفرنامه‌های جهانگردان قدیمی که از بشاگرد عبور کرده‌اند متوجه می‌شوید که از عمران و آبادانی، کشاورزی، تمدن و حکومت در بشاگرد سخن گفته‌اند.

با نیمه‌نگاهی به آثار باستانی بشاگرد این حقیقت را در خواهید یافت که برخی از آنان سابقه‌ای بیش از 5000 سال دارند و تمدن‌هایی با این قدمت در این منطقه می‌زیسته‌اند که تکنولوژی این اشیاء باستانی را داشته و آنها را تولید کرده‌اند.

## مراودات سیاسی بشاگرد

زمانی که رودان امروزی هنوز رونقی نداشت و به عنوان روستای دهبارز میناب شناخته می‌شد تجار بشاگرد با تجار میناب و سیریک و بیابان و بنگلان دادوستد داشته‌اند و حتی برخی از محصولات خود را از طریق جاسک و سیریک به کشورهای بیابان نشین عربی صادر می‌کرده‌اند.

بشاگرد علیرغم اینکه از شرق، جنوب تا غرب به مناطق سنی نشین سیستان و بلوچستان، جاسک و سیریک راه دارد و علیرغم همه ارتباطاتی که با آنها داشته است اصالت فرهنگی خود را حفظ نموده و یکپارچه شیعه و محب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستند و این نعمت

، نعمت کمی نیست که خداوند به ما مردم بشاگرد عطا فرموده است.

اگر در روستایی تنها یک خانه خشتی قدیمی ببینید بدون شک آن خانه حسینه روستا می باشد همچنین روایت برپایی عزای امام حسین (ع) بشاگردیان ، در زیر نور شعله شاخ و برگ درختان در اوج قحطی های ایران را بارها از پدران خود شنیده ایم.

بشاگردیان به دو گویش مارزی گالی و ملکی گالی تکلم می کنند که مارزی گالی را تا حد زیادی به گویش های مینابی و کهنوجی می توان شبیه دانست اما گویش ملکی گالی خاص مردم بشاگرد است و نظیر آن در هیچ جایی وجود ندارد میتوان ملکی گالی بشاگرد را زبانی کاملا مستقل با گرامر و واژگان مستقل دانست.

نیروهای نظامی در قبل از انقلاب نیز در بشاگرد استقرار داشته و پاسگاه های ژاندارمری جکدان، گوهران، سیت، پیرو و گرهون قبل از انقلاب در بشاگرد در مسیر شاهراه های ترانزیتی آن زمان وجود داشته اند و جیب های نظامی به آنجا تردد داشته و آثار جاده های دست سازی که تاکنون وجود دارد فاصله هر روستا تا روستای بعدی را مردم همان روستا احداث کرده اند.

چنانچه ادعا شود ورود خودرو به بشاگرد مربوط به بعد از انقلاب است دروغی بزرگ است چرا که مردم این منطقه در قبل از انقلاب نیز خودرو شخصی داشته اند حتی اگر تاریخ برخی از حوادث رانندگی در بشاگرد که منجر به فوت افراد شده است قرائت شود متوجه کذب بودن این ادعا خواهید شد.

چنانچه ادعا شود در بشاگرد تحصیل وجود نداشته و افراد بی سواد بوده اند خلاف واقع است چون اگر نوحه های مکتوب بر پوست حیوانات و اسناد ملکی بسیار قدیمی دست نویس را مشاهده کنید کاتب آنها بشاگردی بوده است و هم از لحاظ زیبایی و اصول خط و هم از نظر واژگان بگار رفته در آن اسناد می توان به سطح علمی نویسنده پی برد همچنین در قدیم در بشاگرد علاوه بر آموزش قرآن، حافظ و چند کتاب مشخص توسط استاد بومی مرسوم بوده است.

قبل از انقلاب در بشاگرد مدرسه وجود داشته است و افرادی با عنوان سپاه دانش در روستا های بشاگرد مشغول تدریس بوده اند که اولین مدارس بشاگرد در گوهران، شهابک، اهون و چند روستای بزرگ دیگر

بوده است. استاد اکبر بهداروند و جناب آقای رهنما و... از اولین معلمان بشاگرد قبل از انقلاب هستند .

در پایان ذکر این نکته ضروری است که روند رشد بشاگرد و خدمات رسانی به بشاگرد بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بسیار تسریع شده و قابل مقایسه با گذشته نمی باشد اما نباید اغراق شود و کاستی ها و واقعیات نیز باید در نظر گرفته شود مثلا جاده میناب بشاگرد علیرغم گذشت سی و اندی سال از انقلاب هنوز در حد یک جاده نظامی کوهستانی می باشد و در بعضی جاها فاقد علائم ، فاقد پل و آب نما و... می باشد این در حالیست که اگر هر سال حدود 7 کیلومتر از این جاده به صورت اصولی ساخته می شد تا کنون مشکل حل می شد.

باید بپذیریم اعتبارات بسیار خوبی برای این امر دریافت شده است اما اصل قضیه به منظور جذب اعتبارات بیشتر هنوز باقی مانده است که این واقعیات نشاندهنده ضعف دستگاههای نظارتی می باشد مطمئنا چنین دستگاههای اجرایی نباید شعار محرومیت بشاگرد را از دست بدهند لذا سیاه نمایی اوضاع بشاگرد اگر برای بشاگرد آبی نمی شود برای دستگاههای اجرایی نانی می شود.

از همه بشاگردیان و دلسوزان عاجزانه تقاضا دارم از بیان مطالب عاری از واقعیت در خصوص پیشینه بشاگرد و یا اغراق در سیاه نمایی اوضاع بشاگرد بپرهیزند و واقع گرایانه به اظهار نظر سازنده در مورد بشاگرد بپردازند. دوست دارم کلیه عزیزانی که مستندات در این خصوص دارند شامل تصاویر، اسناد قدیمی، نوحه ها و کتاب های دست نویس ، اشیاء و اسناد تاریخی را به منظور ارائه به علاقه مندان جمع آوری و در اختیار عموم قرار دهیم.

من عقیده دارم با وجود عشق به اهل بیت (ع) که بزرگترین سرمایه ما بشاگردیان است و وجود استعدادهایی که در بشاگرد وجود دارد ، معادن و ذخایر و... سایر نعمت هایی که خداوند به ما بشاگردیان عطا فرموده است ما محروم نیستیم بلکه مظلوم واقع شده ایم و اوج محرومیت ما این که در شهرستان نوپای بشاگرد به دلیل کمبود نیرو ، هرجوینده کاری رییس یک اداره می شود.

انتهای پیام/

